جریان‌ها و تعیین کننده‌های مهاجرت تبعی از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران

علی قاسمی اردهایی[۱]، رضا نوبخت[۲]، شفیعه قدرتی[۳]

چکیده

مهمترین ویژگی جریان‌های مهاجرت داخلی ایران، غلبه مهاجرت‌های تبعی نسبت به انواع دیگر جریان‌های مهاجرت است. مهاجران تبعی باتوجه به ویژگی‌هایی که دارند، در تغییر ترکیب جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مبدأ و مقصد موثر می‌باشند. با تحلیل ثانویه داده‌های کل و نمونه‌ای ۲۰٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، جریان‌های مهاجرت و تبیین کننده‌های مهاجرت تبعی غیرسرپرست‌های خانوار از استان آذربایجان‌شرقی به مقصد استان تهران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد، شهرستان‌های سراب، میانه و هشترود مهاجرفرست‌ترین مناطق به استان تهران و شهرستان‌های رباط‌کریم، شهریار و اسلام‌شهر مهاجرپذیرترین مناطق از استان آذربایجان‌شرقی نسبت به حجم جمعیت‌شان هستند. مهاجران تبعی را بیشتر زنان و کودکان و نوجوانان غیرسرپرست خانوار تشکیل داده و دو متغیر سن و جنس مهمترین تبیین کننده احتمال وقوع مهاجرت‌های تبعی می‌باشند. همچنین، شهرستان‌های مقصد و مبدأ و نیز سطح توسعه‌یافتگی مبدأ در پیش‌بینی مهاجرت‌های تبعی در مراتب بعد از متغیرهای جمعیتی قرار می‌گیرند.

وژگان کلیدی: *مهاجرت تبعی، مهاجرت بین استانی آذربایجان‌شرقی- تهران، مهاجرت غیرسرپرست خانوار، مهاجرت زنان، مهاجرت کودکان و نوجوانان.*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۰۳

۱- دکتری جمعیت‌شناسی و هیئت علمی موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور(نویسنده مسؤل) ghasemi33@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور/ r.noubakht@ut.ac.ir

۳- استادیار جمعیت شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری، s.ghodrati@hsu.ac.ir

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

مقدمه

با توجه به آمیختگی مهاجرت با شیوه معیشت انسان از همان آغاز شکل‌گیری دسته‌ها و گروه‌های انسانی، مطالعه و تحقیق در زمینه جابجایی مکانی انسان‌ها با در نظر گرفتن؛ ویژگی‌های مهاجر و مناطق مبدأ و مقصد، علل، ویژگی‌ها و پیامدهای مهاجرت، در دوره‌های زمانی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. به خصوص با پیدایش مکتب نظری و تحقیقاتی شیکاگو، بین مهاجرت با مطالعات و مسائل شهرنشینی و حاشیه‌نشینی پیوندی نزدیک ایجاد شد که رابرت پارک[1] (۱۹۲۸) از صاحب‌نظران این حوزه به بررسی علمی و نظریه‌پردازی در زمینه تاریخچه مهاجرت‌های انسانی پرداخته است و از "انسان حاشیه‌ای"[2] به عنوان پیامد مهاجرت‌های انسانی نام برده است.

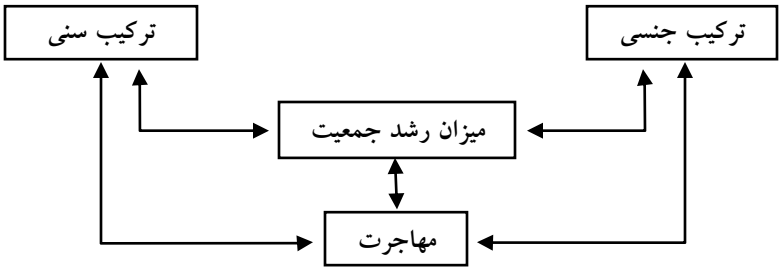
از دیدگاه جمعیت شناختی، فرایند مهاجرت امری پیچیده است که نه تنها حجم و رشد جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در ساخت جمعیت (بخصوص ترکیب سنی- جنسی) ایجاد می کند. «گرچه آگاهی از انتقال جمعیت و مراحل آن استراتژی مهم در توصیف ساختار سنی یک جمعیت است، ولی باید توجه نمود مهاجرپذیری و مهاجرفرستی می‌تواند ساختار سنی را بطور اساسی تغییر دهد که در درجه اول بر میزانهای موالید و مرگ و میر تأثیرگذار است» (رُلند[3] ۲۰۰۳: ۱۰۱).

جریانهای مهاجرت (باتوجه به ویژگی گزینشی داشتن) می‌تواند ساختار سنی- جنسی مبدأ و مقصد را مستقیماً تحت تأثیر قرار دهد. علاوه‌بر این تأثیر مستقیم، ازطریق اثرگذاری بر متغیرهای باروری و ازدواج (که در رشد جمعیت مؤثرند) می‌تواند تأثیر غیرمستقیمی هم داشته باشد. ازجانب دیگر، ترکیب سنی- جنسی جمعیت می‌تواند هم به صورت مستقیم و هم ازطریق اثرگذاری بر میزان رشد جمعیت، اندازه و نوع مهاجرت را تحت تأثیر قرار دهد.

1. Robert Park
2. Marginal Man
3. Rowland

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

شکل۱. روابط مفهومی اثرات بین مهاجرت، میزان رشد و ترکیب سنی- جنسی جمعیت



پترسن[1] (به نقل از کاپل[2] ۱۹۷۶) معتقد است مهاجرت وضعیت ذاتی نوسازی، تخصص و تغییرات اجتماعی با برنامه است. به‌نظر وی ضروری است تا بین علل اجتماعی مهاجرت بعنوان یک الگو وانگیزش‌های مهاجرت فردی تمایز قائل شد.در بیشتر مطالعات علوم اجتماعی ایران در زمینه مهاجرت، بیشترین توجه و اهمیت به تعیین کننده‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های فردی داده شده است. درحالیکه در این حوزه بهتر است به مهاجرت بیشتر بعنوان محصول (حتی جبر) اجتماعی نگریسته شود.مهاجرت تبعی نوعی مهاجرت خانواری (خانوادگی) است که مهاجران مشمول آن به دلیل وابستگی اجتماعی به تصمیم‌گیر اصلی جریان مهاجرت، این جابجایی جمعیت به مقصد محیط غریب را قبول می‌کنند.

مطالعه علل مهاجرت داخلی در ایران در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد نزدیک ۵۰٪ مهاجران "پیروی از خانوار" را به عنوان علت مهاجرت خود برشمرده‌اند. اینها افرادی هستند که در تبعیت از تصمیم‌گیر اصلی جریان مهاجرت (بیشتر سرپرست‌های خانوار) اقدام به این جابجایی مکانی کرده‌اند. در سرشماری‌های مذکور، بیشترین درصد به دست آمده برای مهاجرت تبعی متعلق به مهاجران وارد شده به استان تهران است. به ویژه اینکه، در میان مهاجران با مبدأ استان آذربایجان‌شرقی این درصد قابل توجه بوده و به بالای ۶۰٪ می‌رسد. بنابراین، در مهاجرت‌های انبوه از استان آذربایجان‌شرقی (آذربایجان سابق) به استان تهران(مرکزی سابق) که مهمترین جریان مهاجرت داخلی یک قرن اخیر ایران می‌باشد، این تبعیت از خانوار است که نقش مهمی در افزایش حجم این جابجایی مکانی جمعیت دارد.

[1]. Petersen
[2]. Koppel

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

طرح مسأله

با انتخاب شهر تهران به پایتختی کشور ایران در سال ۱۱۶۴ شمسی، وسعت جغرافیایی و حجم جمعیت آن به شدت شروع به افزایش یافت. جمعیت این شهر طی ۲۲۶ سال اخیر از حدود ۱۵ هزار نفر در سال ۱۱۶۴ شمسی (موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی ۱۳۸۷) به حدود ۸/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ شمسی (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰) افزایش یافته است. پایتخت شدن تهران موجب گردیده است این شهر سهم عمده امکانات آموزشی، خدماتی، بهداشتی، رفاهی و تجاری کشور را به خود اختصاص دهد. این امر زمینه‌ساز جریان‌های مهاجرت عظیمی به این شهر و شهرهای پیرامونی آن شده است.

افزایش جمعیت تهران از دیرباز بعنوان یکی از دغدغه‌های دست‌اندرکاران حکومتی و برنامه-ریزان کشور ایران بوده است. در سال ۱۳۳۶ نخست‌وزیر وقت در مکاتبات خود به وزیر راه یادآوری کرد: «... یکی از مسایلی که همیشه مورد نظر دولت‌ها بوده و تاکنون راه‌حلی برای آن پیدا نشده، موضوع مهاجرت ساکنین شهرستان‌ها به تهران است. این مسأله علاوه‌بر اینکه مشکلاتی ازلحاظ زندگی و جهات دیگر در پایتخت ایجاد کرده، باعث تقلیل جمعیت اغلب شهرستان‌ها و دهات و بالنتیجه خرابی، بلکه در بعضی نقاط جنوب ویرانی آنها شده است. ...» (مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری ۱۳۹۰: ۱۰۲).

در مطالعات انجام گرفته در زمینه مهاجرت به استان تهران، بیشترین توجه‌ها معطوف به شهر تهران است. درحالیکه هزینه بالای مسکن و زندگی در شهر تهران موجب گردیده است مهاجران با مقصد استان تهران بیشتر شهرها و شهرستان‌های پیرامونی شهر تهران را بعنوان محل اقامت خود انتخاب نمایند. حتی این شهرستان‌های پیرامونی در بسیاری از موارد اضافه جمعیت شهر تهران را در خودشان جای می‌دهند. به همین خاطر است در برخی از شهرستان‌های پیرامونی شهر تهران میزان رشد سالانه جمعیت بالای ده درصدی (جدول۱) ملاحظه می‌شود. در دهه ۷۵-۱۳۶۵ نزدیک به ۵۰٪ جمعیت شهرستان شهریار را مهاجران شامل شده و به دلیل رشد جمعیتی چشمگیر، در دهه ۸۵-۱۳۷۵ شهرستان رباط‌کریم و در فاصله زمانی بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ دو شهرستان قدس و ملارد از آن جدا شدند. در دهه ۸۵- ۱۳۷۵ شهریار به همراه رباط‌کریم بیشترین سهم جمعیتی مهاجر بین شهرستانی (حدود ۳۷٪) را داشته‌اند. این مهاجرپذیری موجب گردیده است متوسط رشد سالانه جمعیت استان تهران و شهرستان‌های آن طی سرشماری‌های گذشته با اختلاف چشمگیری بالاتر از متوسط کشوری قرار گیرد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول۱. متوسط رشد سالانه جمعیت کل، روستایی و شهری استان تهران و شهرستانهای منتخب آن در بین سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵ (به درصد)

دوره	استان			اسلام شهر			رباط کریم			شهریار		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
۱۳۶۵ -۷۵	۲/۴۸	۲/۱۶	۶/۰۰	۲/۷۳	۲/۳۹	۴/۴۸	۱۸/۷۶	۱۸/۸۶	۱۸/۵۶	۹/۰۱	۸/۶۲	۹/۶۷
۱۳۷۵ -۸۵	۲/۶۴	۲/۷۸	۱/۲۶	۲/۰۳	۲/۸۳	-۲/۷۲	۵/۶۲	۸/۰۷	-۱/۴۰	۶/۹۷	۱۰/۴۱	-۱/۹۰

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵

براساس اطلاعات به دست آمده از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، شهرستان‌های دارای رشد جمعیت زیاد استان تهران (جدول۱) بیشترین مهاجران را از استان آذربایجان‌شرقی دریافت می‌کنند.طی سرشماری ۸۵- ۱۳۷۵ بالای ۲۰٪ جمعیت شهرستان هشترود و بالای ۱۰٪ جمعیت شهرستان‌های سراب و میانه به استان تهران مهاجرت نموده‌اند. در اسناد تاریخی حتی از مهاجرت شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی یاد شده است. در گزارشی از وزیر جنگ وقت به تاریخ ۱۳۳۸ به نخست‌وزیر می‌خوانیم: «مردم دویست پارچه آبادی‌های سراب به علت فقر و تنگدستی تدریجاً به مرکز و مناطق جنوبی کشور مهاجرت می‌کنند و در تابستان خرده مالکین برای برزگر در مضیقه قرار می‌گیرند» (همان: ۲۰۸). مسلم است مهاجرت با این تعداد و شدت می‌تواند شاخص‌های توسعه یافتگی (جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی) شهرستان‌های این استان را تحت تأثیر قرار دهد. رشد منفی قابل توجه جمعیت مناطق روستایی (جدول۲) و افزایش سریع میزان سالخوردگی شهرستان‌های منتخب استان آذربایجان شرقی طی دو دهه اخیر در مقایسه با شهرستان-های دیگر، نمونه بارز چنین امری است. متوسط رشد سالانه جمعیت مناطق روستایی استان آذربایجان‌شرقی و شهرستان‌های منتخب آن طی دهه‌های گذشته به نوعی خالی از سکنه شدن روستاها را به خوبی نشان می‌دهد. شهرستان‌های اشاره شده در جدول۲ جزو شهرستان‌هایی هستند که در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ (بهشتی‌گرمی ۱۳۶۳) و همچنین بعد از آن بیشترین میزان خالص مهاجرت منفی را نسبت به سایر شهرستان‌های استان آذربایجان‌شرقی داشته‌اند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول۲. متوسط رشد سالانه جمعیت کل، روستایی و شهری استان آذربایجان‌شرقی و شهرستانهای منتخب آن

در بین سرشماری‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵ (به درصد)

دوره	استان			سراب			میانه			هشترود		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
۱۳۶۵ -۷۵	۰/۸۹	۱/۹۹	-۰/۶۵	-۰/۷۲	-۰/۵۲	-۱/۴۶	-۱/۰۸	۱/۴۶	-۲/۵۴	-۲/۷۱	۱/۵۲	-۳/۶۹
۱۳۷۵ -۸۵	۰/۸۰	۱/۵۷	-۰/۵۵	-۱/۰۷	۱/۱۷	-۲/۴۲	-۰/۸۳	۱/۲۶	-۲/۶۹	-۱/۳۴	۱/۶۵	-۲/۴۵

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵

باتوجه به نوع مهاجرت مورد بررسی (مهاجرت تبعی)، مهاجران درگیر این جریان مهاجرتی را زنان و افراد خارج از دامنه سنی فعالیت اقتصادی شکل می‌دهند. به همین خاطر این افراد بر منابع آموزشی، بهداشتی و رفاهی مناطق مقصد بیشترین فشار را می‌آورند. بنابراین، با آگاهی یافتن از ویژگی‌ها و تعیین کننده‌هایاینمهاجران می‌توان تصمیمات برنامه‌ریزی شده و آگاهانه‌ای را در سازماندهی جمعیت دو استان آذربایجان‌شرقی و تهران انجام داد.

روش تحقیق

روش تحقیق، تحلیل ثانویه داده‌های کل و نمونه‌ای ۲۰ ٪ سرشماری ۱۳۸۵ است. این داده‌ها ازطریق پرسش‌نامه فرم شماره ۳ سرشماری ۱۳۸۵ به دست آمده است. در این پرسش‌نامه برخی از اطلاعات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی افراد واقع در خانوارهای معمولی ساکن و خانوارهای گروهی موجود است. مجموع کسانی‌که در فاصله زمانی سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ شهر یا آبادی محل سکونت خود از استان آذربایجان‌شرقی را به مقصد استان تهران تغییر داده‌اند (۱۳۶۲۶۵ نفر)، جامعه آماری را شکل می‌دهند. در فایل نمونه‌گیری سرشماری ۱۳۸۵، تعداد مهاجر وارد شده از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران در بین سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ که قابل تحلیل باشد (نمونه آماری) ۲۴۷۰۰ نفر است.

در انتخاب مهاجران دوره ۸۵-۱۳۷۵ جهت تحلیل، بهتر است به دو نکته توجه شود: اول اینکه برای نخستین‌بار در این دوره است مرکز آمار ایران داده‌های خام نمونه ۲ درصدی سرشماری عمومی نفوس و مسکن را به صورت عمومی در اختیار محققین قرار می‌دهد. گرچه این نوع داده

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

برای سرشماری ۱۳۹۰ نیز موجود است، ولی داده‌های نمونه ۲٪ سرشماری ۱۳۸۵ قابلیت وزن دادن و تبدیل شدن به یک نمونه ۲۰٪ را دارد که نمونه‌ای قابل توجه را جهت تجزیه و تحلیل در اختیار محقق قرار می‌دهد. نکته دوم اینکه، فراوانی وقوع مهاجرت سالانه از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران در دوره ۸۵-۱۳۷۵ خیلی بیشتر از دوره ۹۰-۱۳۸۵ است.

وضعیت مهاجرت در استان آذربایجان‌شرقی و مهاجرفرستی شهرستان‌های آن در دوره ۸۵- ۱۳۷۵

در دهه ۸۵-۱۳۷۵، تعداد کل مهاجران وارد شده به استان آذربایجان‌شرقی ۴۵۰ هزار نفر است که از این تعداد محل اقامت قبلی ۳۴٪ شهرستان محل سرشماری، ۳۱٪ سایر شهرستان‌های استان و ۳۵٪ شهرستان‌های سایر استانهاست. توجه به روستا و شهر بودن مبدأ و مقصد مهاجرت استان نشان می‌دهد ۴۷٪ مهاجرت‌ها از شهر به شهر، ۲۲٪ از روستا به شهر، ۷٪ از روستا به روستا و ۲۴٪ از شهر به روستا است. در همین دوره، استان آذربایجان‌شرقی بیشترین خالص مهاجرت منفی (۱۴۳۷۳۳-) کشور را دارد. بدین ترتیب که در مقابل ۱۵۸۴۲۴ نفر مهاجر وارد شده به استان، تعداد ۳۰۲۱۵۷ نفر از استان به سایر استان‌ها مهاجرت کرده‌اند. مطابق با جدول۳، بیشترین مهاجران وارد شده و خارج شده استان به ترتیب به (از) استان‌های تهران، آذربایجان‌غربی و اردبیل است. نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی- قومیتی آذربایجان‌شرقی با دو استان اردبیل و آذربایجان‌غربی تبیین کننده مناسبی برای این جابجایی جمعیت است، ولی برای استان تهران نمی‌توان بر نزدیکی جغرافیایی تأکید نمود.

نکته قابل توجه اینکه استان آذربایجان‌شرقی بیشترین خالص مهاجرت مثبت را از استان‌های کردستان، خوزستان، کرمانشاه و سیستان‌وبلوچستان (با پراکندگی جغرافیایی و قومیتی- فرهنگی بسیار متنوع) دارد. استان‌های مذکور تنها در زمینه سطح توسعه‌یافتگی همگنی نسبی با یکدیگر دارند. مطابق با نتایج مطالعه قرخلو و حبیبی (۱۳۸۵)، ازلحاظ توسعه‌یافتگی تنها استان خوزستان هم سطح با استان آذربایجان‌شرقی بوده و استان‌های کرمانشاه، سیستان‌وبلوچستان و کردستان در مراتب توسعه‌یافتگی پایین‌تری نسبت به آذربایجان‌شرقی قرار دارند. ملاحظه می‌شود جهت جریان‌های مهاجرت از استان‌های کم‌برخوردارتر به استان آذربایجان‌شرقی بوده و در این جابجایی‌های جمعیتی، فاصله‌های جغرافیایی و فرهنگی نمی‌تواند مانع چندان مهمی باشد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

براساس اطلاعات ماتریس مهاجرت بین شهرستانی سرشماری ۱۳۸۵، توزیع نسبی مهاجران خارج شده از شهرستان‌های استان آذربایجان‌شرقی برحسب شهرستان‌های مقصد به دست آمده - است (جدول۴). حدود ۴۰٪ مهاجرفرستی شهرستان‌های آذربایجان‌شرقی به شهرستان‌های خود استان است که در این میان شهرستان‌های تبریز، عجب‌شیر، مراغه، مرند و بناب (تقریباً از شهرستان-های پرجمعیت استان)، دریافت کننده مهاجر از مناطق مختلف استان هستند و نیز درصد بیشتری از مهاجران جابجا شده در داخل استان را در خود جای داده‌اند. در زمینه مهاجران خارج شده از شهرستان‌های استان، شهرستان‌های ورزقان، هریس و اسکو (از شهرستان‌های کم جمعیت) بیشترین مهاجران‌شان به شهرستان‌های درون استان بوده و در مقابل، بیشترین مهاجران شهرستان‌های میانه، هشترود و سراب به شهرستان‌های خارج از استان است.

استان تهران رتبه دوم مقصد مهاجران آذربایجان‌شرقی است که در این میان، شهرستان‌های تهران، شهریار، رباط‌کریم و اسلام‌شهر از مهم‌ترین مقصدها هستند. بیشترین توزیع مهاجران آذربایجان‌شرقی در سطح شهرستان‌های استان تهران متعلق به مهاجران از شهرستان‌های میانه، هشترود و سراب است که به‌همراه شهرستان کلیبر بیشترین جمعیت‌شان را به استان تهران فرستاده-اند. مطابق با نتایج جدول۴، استان‌های آذربایجان‌غربی و البرز با محوریت مراکزشان، مقصدهای بعدی مهاجران استان آذربایجان‌شرقی هستند. استان البرز به دلیل نزدیکی به پایتخت و متعلق بودن به آن تا دو سال گذشته و استان آذربایجان‌غربی به دلیل مجاورت و داشتن بیشترین مرز جغرافیایی با استان آذربایجان‌شرقی و نیز همگنی زبانی و قومیتی، به مراکز مهم جذب مهاجران خارج شده از استان آذربایجان‌شرقی تبدیل شده‌اند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول۳. تعداد و درصد مهاجران وارد شده و خارج شده و تعداد خالص مهاجرت استان آذربایجان‌شرقی برحسب استان‌های ایران در دوره ۸۵- ۱۳۷۵

استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده		خالص
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	مهاجرت
کل	158424	100.0	302157	100.0	−143733
کردستان	8249	5.2	4652	1.5	3597
خوزستان	5774	3.6	2423	0.8	3351
کرمانشاه	3986	2.5	1490	0.5	2496
سیستان و بلوچستان	1875	1.2	1358	0.4	517
ایلام	971	0.6	680	0.2	291
لرستان	913	0.6	630	0.2	283
فارس	3249	2.1	3061	1.0	188
خراسان رضوی	4124	2.6	3980	1.3	144
خراسان جنوبی	309	0.2	190	0.1	119
چهار محال و بختیاری	323	0.2	246	0.1	77
کهگیلویه و بویر احمد	146	0.1	177	0.1	−31
همدان	1805	1.1	1941	0.6	−136
سمنان	666	0.4	812	0.3	−146
اصفهان	2788	1.8	2970	1.0	−182
خراسان شمالی	233	0.1	465	0.2	−232
کرمان	1446	0.9	1893	0.6	−447
آذربایجان غربی	43678	27.6	44255	14.6	−577
یزد	567	0.4	1220	0.4	−653
مرکزی	811	0.5	1641	0.5	−830
مازندران	2376	1.5	3337	1.1	−961
گلستان	846	0.5	1945	0.6	−1099
بوشهر	1251	0.8	2403	0.8	−1152
هرمزگان	1405	0.9	2638	0.9	−1233
زنجان	4083	2.6	7282	2.4	−3199
قزوین	2279	1.4	6061	2.0	−3782
گیلان	4244	2.7	8076	2.7	−3832
اردبیل	9912	6.3	14993	5.0	−5081
قم	3215	2.0	8709	2.9	−5494
تهران	46900	29.6	172629	57.1	−125729

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول۴. درصد مهاجران خارج شده از شهرستان‌های استان آذربایجان‌شرقی برحسب شهرستان مقصد در دوره ۸۵- ۱۳۷۵

مبدأ: (٪) مقصد:	آذرشهر	اسکو	اهر	بستان‌آباد	بناب	تبریز	جلفا	چاراویماق	سراب	شبستر	عجب‌شیر	کلیبر	مراغه	مرند	ملکان	میانه	ورزقان	هریس	هشترود
تعداد	۶۱۱۵	۳۷۲۴	۲۴۱۱۶	۱۰۶۶۲	۸۵۵۲	۱۵۸۹۳۹	۷۷۷۱	۵۶۸	۳۲۲۶۰	۱۱۷۷۲	۱۱۹۴۱	۱۱۳۹۸	۳۵۳۵۹	۲۳۲۰۲	۶۷۷۰	۴۱۳۱۹	۴۸۴۰	۸۶۲۰	۳۳۸۱۲
تبریز	۳۷/۷	۵۸/۳	۵۰/۵	۴۴/۵	۱۴/۰	[redacted]	۳۰/۳	۲۱/۹	۹/۴	۲۱/۸	۲۰/۷	۳۳/۰	۱۴/۲	۲۳/۸	۱۳/۸	۴/۱	۷۰/۴	۶۵/۱	۵/۵
عجب‌شیر	۸/۵	۴/۰	۲/۶	–	۷/۲	–	۴/۲	۵/۳	–	۵/۰	[redacted]	۲/۸	۲/۶	۲/۴	۹/۳	۲/۲	۴/۲	۳/۴	–
مراغه	۲/۷	–	–	–	۱۷/۲	۲/۱	۲/۱	۴/۶	–	–	۴/۳	–	[redacted]	۱/۶	۱۲/۲	–	–	–	۳/۴
بناب	۳/۰	۱/۷	–	–	[redacted]	–	–	۲/۶	–	–	۷/۱	–	۴/۴	–	۷/۵	–	–	–	–
مرند	–	–	۲/۴	–	–	۱۱/۷	۱۴/۵	–	–	۳/۸	–	–	–	[redacted]	–	–	۵/۶	–	–
آذرشهر	[redacted]	۶/۵	–	–	۱/۶	–	–	–	–	–	۲/۷	–	–	–	۱/۵	–	–	–	–
اهر	–	–	[redacted]	–	–	–	–	–	–	–	–	۳/۱	–	–	–	–	۲/۹	۲/۰	–
تهران	۷/۲	۴/۳	۹/۸	۶/۶	۵/۶	۱۶/۷	۱۱/۴	۴/۴	۱۲/۵	۳۱/۶	۷/۳	۱۶/۷	۱۲/۰	۱۲/۰	۲/۳	۱۲/۵	۳/۹	۹/۱	۱/۵
شهریار	۳/۰	–	۴/۷	۱۰/۲	–	۶/۲	۴/۹	–	۳/۲	۱/۶	۱/۵	۲۶/۴	۲/۳	۲/۲	–	۱۰/۷	–	۳/۳	۹/۱
رباط‌کریم	–	–	–	۴/۳	–	۳/۳	–	۱۳/۵	۳۵/۳	۱/۵	–	–	۳/۲	–	۱/۹	۱۴/۱	–	۳/۲	۱۶/۲
اسلام‌شهر	–	–	–	–	–	–	–	۱۱/۰	۵/۹	–	–	–	–	–	–	۳/۸	–	–	۲/۸
ورامین	–	–	–	۳/۹	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	۷/۹	–	–	۶/۳
کرج	۴/۸	–	۲/۰	۸/۲	۲/۹	۶/۴	–	۴/۳	۵/۷	۱/۹	–	–	۵/۵	۷/۰	–	۱۴/۸	–	۳/۵	۹/۸
نظرآباد	–	–	–	۱/۵	–	–	–	۶/۴	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	۱۰/۶
ارومیه	۴/۹	۸/۵	۳/۶	–	۷/۲	۴/۹	۲/۷	–	–	۱۱/۳	۷/۷	–	۶/۵	۱۲/۷	۲/۲	–	۱/۷	–	–
میاندوآب	–	–	–	–	۷/۲	–	–	–	–	–	۲/۸	–	۴/۴	–	۲۶/۵	–	–	–	–
مهاباد	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	۲/۰	۱/۶	۱/۹	–	–	–	–
قم	–	–	–	۲/۷	۲/۶	۲/۱	–	۶/۳	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	۹/۴
اردبیل	–	–	–	–	–	۲/۲	–	–	۳/۴	–	۳/۲	–	–	–	–	–	–	–	–
زنجان	–	–	–	–	۱/۶	–	–	–	–	–	۳/۴	–	–	–	–	۳/۱	–	–	–
سایرشهرستانها و نامشخص	۲۸/۲	۱۶/۷	۲۴/۴	۱۸/۱	۳۲/۹	۴۴/۴	۲۹/۹	۱۹/۷	۲۴/۶	۲۱/۵	۳۹/۳	۱۸/۰	۴۲/۹	۳۶/۷	۲۰/۹	۲۶/۸	۱۱/۳	۱۰/۴	۲۵/۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵نکته: درصدهای کمتر از یک گزارش نشده‌اند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

وضعیت مهاجرت در استان تهران و مهاجرپذیری شهرستان‌های آن در دوره ۸۵- ۱۳۷۵

در دهه ۸۵- ۱۳۷۵ تعداد کل مهاجران وارد شده به استان تهران ۲۹۸۴ هزار نفر است که از این تعداد محل اقامت قبلی ۲۸۱۰ هزار داخل کشور (۲۰٪ شهرستان محل سرشماری، ۲۹٪ سایر شهرستان‌های استان و ۵۱٪ شهرستان‌های سایر استانها)، ۱۱۲ هزار خارج از کشور و ۶۲ هزار نفر مشخص نیست. بررسی جریان‌های مهاجرت استان از لحاظ روستا و شهر بودن مبدأ و مقصد نشان می‌دهد ۷۰٪ مهاجرت‌ها از شهر به شهر، ۱۷٪ از روستا به شهر، ۳٪ از روستا به روستا و ۱۰٪ از شهر به روستا است.

برعکس استان آذربایجان‌شرقی، در طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ استان تهران بیشترین خالص مهاجرت مثبت (۶۱۵ هزار) را دارد. در این دهه بیشترین مهاجران وارد شده به استان تهران از استان آذربایجان‌شرقی(۱۲٪) بوده و پس از آن به‌ترتیب استان‌های همدان، خراسان‌رضوی و گیلان قرار دارند. مقصد مهاجران خارج شده از استان نشان می‌دهد استان خراسان رضوی بیشترین مهاجران خارج شده از این استان را به خود جذب نمودهو پس از آن استان‌های گیلان، مازندران و اصفهان قرار دارند. با توجه به موازنه مهاجرت بین استانی (ستون خالص مهاجرت جدول۳) ملاحظه می‌شود در جابجایی جمعیت بین استان‌ها، استان تهران بیشترین خالص مهاجرت مثبت را از استان‌های آذربایجان‌شرقی، همدان، کرمانشاه، اردبیل و لرستان (استان‌های واقع در غرب و شمال - غرب کشور) با "سطوح توسعه یافتگی پایین"[1] داشته و بیشترین خالص مهاجرت منفی را با استان‌های یزد، مازندران و سمنان (استان‌های واقع در شمال و مرکز کشور) با "سطوح توسعه یافتگی بالا"[1] دارد. در اینجا هم باز غلبه و تأثیرگذاری سطح توسعه - یافتگی مناطق در جابجایی‌های جمعیتی از مناطق محروم به مناطق برخوردار به خوبی خود را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه اینکه ۲۰٪ خالص مهاجرت مثبت استان تهران از مهاجران استان آذربایجان‌شرقی است (۱۲۶ هزار از ۶۱۵ هزار) که به همراه سه استان همدان، کرمانشاه و اردبیل بالای ۵۰٪ خالص مهاجرت تهران را شامل می‌شوند.

ماتریس مهاجرت بین شهرستان‌های کشور نشان می‌دهد بیشترین مهاجران وارد شده به استان تهران در طی سال‌های ۸۵- ۱۳۷۵ از خود شهرستان‌های استان تهران است که نزدیک به یک سوم مبدأ مهاجران را شامل می‌شود. در این میان، شهرستان تهران جایگاه مهمی در مهاجرفرستی به سایر شهرستان‌های استان تهران دارد، درحالیکه مهاجرپذیری آن از سایر شهرستان‌های استان تهران بسیار ناچیز (۱/۳٪) است. شهرستان ورامین جایگاه مهمی را در جابجایی‌های جمعیتی درون استانی استان تهران دارد. استان آذربایجان‌شرقی با محوریت شهرستان‌های تبریز، سراب، میانه و هشترود، دومین خاستگاه مهم مهاجران وارد شده به شهرستان‌های استان تهران است. شهرستان‌های رباط‌کریم، اسلام‌شهر، شهریار، ورامین و تهران ازجمله شهرستان‌هایی هستند که بیشتر مورد توجه مهاجران استان آذربایجان‌شرقی است. به ویژه شهرستان رباط‌کریم که از هر چهار شهرستان مهم مهاجرفرست استان آذربایجان‌شرقی، درصد قابل توجهی مهاجر جذب کرده است.در مرتبه بعد از استان آذربایجان‌شرقی، اکثر مراکز استان‌ها نقش پررنگی را در مهاجرفرستی به شهرستان‌های استان تهران دارند. شهرستان کرج که تا دو سال قبل خود جزئی از استان تهران بود، مهمترین مرکز استانی مهاجرفرست به شهرستان‌های استان تهران است.

[1]. قرخلو و حبیبی (۱۳۸۵) با بکارگیری تکنیک آنالیز تاکسونومیک و داده‌های جمع‌آوری شده در طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۵ در زمینه عامل‌های انسانی و اشتغال، بهداشت و درمان، مسکن و ساختمان، فرهنگی- جهانگردی و ارتباطات و مخابرات، ضریب توسعه‌یافتگی استان‌های کشور را مشخص نموده‌اند. نتایج بدست آمده برای استانها نشان می‌دهد سمنان رتبه۲، یزد رتبه۳، مازندران رتبه۶، آذربایجان‌شرقی رتبه۱۶، همدان رتبه۲۳، کرمانشاه رتبه۲۴، اردبیل رتبه۲۵ و لرستان رتبه۲۷ را در بین ۲۸ استان کشور دارند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول۵. تعداد و درصد مهاجران وارد شده و خارج شده و تعداد خالص مهاجرت استان تهران برحسب استان‌های ایران در دوره ۸۵- ۱۳۷۵

استان	مهاجران وارد شده		مهاجران خارج شده		خالص مهاجرت
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کل	1438406	100.0	823379	100.0	615027
آذربایجان شرقی	172629	12.0	46900	5.7	125729
همدان	122415	8.5	37387	4.5	85028
کرمانشاه	77489	5.4	19570	2.4	57919
اردبیل	80499	5.6	30351	3.7	50148
لرستان	61519	4.3	18931	2.3	42588
خوزستان	58252	4.0	25706	3.1	32546
مرکزی	80675	5.6	49199	6.0	31476
زنجان	57428	4.0	30399	3.7	27029
کردستان	40328	2.8	16064	2.0	24264
خراسان رضوی	102304	7.1	78640	9.6	23664
گیلان	93560	6.5	77671	9.4	15889
قزوین	48603	3.4	33417	4.1	15186
فارس	36008	2.5	21576	2.6	14432
اصفهان	79796	5.5	65745	8.0	14051
آذربایجان غربی	37920	2.6	24761	3.0	13159
خراسان شمالی	21566	1.5	10310	1.3	11256
قم	39910	2.8	30857	3.7	9053
کرمان	19595	1.4	10818	1.3	8777
ایلام	12742	0.9	6369	0.8	6373
سیستان و بلوچستان	11432	0.8	5886	0.7	5546
هرمزگان	16106	1.1	12919	1.6	3187
خراسان جنوبی	6992	0.5	3966	0.5	3026
گلستان	30905	2.1	28490	3.5	2415
کهگیلویه و بویراحمد	3397	0.2	1915	0.2	1482
بوشهر	9645	0.7	8585	1.0	1060
چهارمحال و بختیاری	4753	0.3	4890	0.6	−137
سمنان	21804	1.5	23946	2.9	−2142
مازندران	73418	5.1	76209	9.3	−2791
یزد	16716	1.2	21902	2.7	−5186

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول۶. درصد مهاجران وارد شده به شهرستان‌های استان تهران برحسب شهرستان مبدأ در دوره ۸۵- ۱۳۷۵

مقصد: (٪) مبدأ:	تهران	اسلامشهر	پاکدشت	دماوند	ری	رباط‌کریم	شمیرانات	شهریار	فیروزکوه	ورامین
تعداد	۸۶۲۹۸۴	۱۱۲۲۷۹	۹۰۳۴۹	۲۲۳۵۶	۵۳۰۴۵	۲۱۶۲۰۹	۶۷۷۰	۳۹۰۷۴۱	۵۱۳۶	۱۰۸۵۶۵
تهران		۴۱/۵	۳۸/۸	۳۷/۲	۹/۷	۲۸/۱	۲۹/۰	۳۶/۶	۳۵/۲	۳۱/۰
اسلامشهر	–		–	–	۲/۲	۱۰/۰	–	۲/۶	–	–
پاکدشت	–	–		–	۲/۳	–	–	–	–	۲/۷
ری	–	۲/۲	۱/۸	–		–	–	–	–	۴/۷
رباط‌کریم	–	۸/۵	–	–	–		–	۱/۲	–	–
شهریار	–	۲/۱	–	–	–	۲/۹	–		–	–
ورامین	۱/۳	۱/۵	۴/۹	۳/۱	۵/۶	۱/۰	۲/۴	۱/۰	۲/۹	
تبریز	۳/۱	۱/۶	۱/۱	–	۲/۱	۲/۴	۱/۳	۲/۵	–	۱/۷
سراب	۱/۰	۱/۷	–	–	۱/۳	۵/۳	–	–	–	–
میانه	۱/۰	۱/۴	–	–	۱/۰	۲/۷	–	۱/۱	–	۳/۰
هشترود	–	۱/۰	۱/۳	–	۲/۳	۲/۵	–	۱/۰	–	۲/۰
کرج	۴/۴	۲/۷	۲/۴	۱/۸	۲/۳	۳/۱	۲/۲	۹/۲	۳/۹	۲/۰
اردبیل	۲/۴	۲/۰	۱/۰	–	۱/۸	۴/۸	–	۱/۵	–	۲/۸
زنجان	۱/۴	۱/۱	–	–	–	۳/۸	۱/۰	۱/۸	۱/۳	–
همدان	۲/۸	۱/۴	۱/۳	–	۳/۰	۳/۸	۱/۶	۳/۱	–	۲/۹
ملایر	۱/۲	–	۱/۵	–	۱/۴	–	۱/۳	۱/۰	–	–
قم	۲/۶	۱/۰	–	۱/۱	۲/۲	۱/۱	–	۱/۱	۱/۱	۱/۱
اصفهان	۴/۲	–	–	–	۱/۹	–	۱/۳	–	–	–
شیراز	۲/۲	–	–	–	–	–	۱/۳	–	–	–
اراک	۳/۳	۱/۰	۲/۵	–	۳/۴	۱/۵	–	۱/۹	–	۱/۳
کرمانشاه	۲/۶	۱/۱	–	۱/۰	۱/۳	۱/۰	۱/۰	۲/۵	–	۱/۲
مشهد	۳/۳	–	۱/۸	۲/۷	۳/۶	–	۱/۸	۱/۱	۱/۴	۲/۴
سبزوار	۱/۷	–	۱/۹	۱/۰	۱/۶	–	–	–	–	۲/۱
قزوین	۱/۹	۱/۱	–	–	–	–	–	۱/۱	–	–
سنندج	۱/۰	–	–	۱/۴	–	–	۳/۰	–	–	–
رشت	۲/۱	۱/۰	–	–	۱/۱	–	–	۱/۰	–	–
ساری	۱/۰	–	–	–	–	–	–	–	۵/۲	–
قائم‌شهر	–	–	–	۱/۳	–	–	–	–	۹/۲	–
بابل	۱/۰	–	–	۱/۴	–	–	–	–	۱/۷	–
بروجرد	۱/۲	–	۲/۵	–	۱/۳	–	–	–	–	–
خارج ازکشور	۶/۹	۲/۸	۵/۲	۱۱/۰	۲۰/۳	۲/۱	۲۳/۹	۲/۸	۳/۴	۱۰/۴
سایرشهرستانها و نامشخص	۴۶/۵	۲۳/۳	۳۲/۰	۳۷/۰	۳۷/۳	۲۳/۹	۲۸/۹	۲۵/۹	۲۴/۷	۲۸/۷
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵نکته: درصدهای کمتر از یک گزارش نشده‌اند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

وضع سرپرستی خانوار و مهاجرت تبعی از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران

از لحاظ بستگی مهاجر با سرپرست خانوار، ۲۹٪ سرپرست خانوار و بقیه غیرسرپرست(۲۹٪ همسر، ۳۶٪ فرزند و ۶٪ بقیه پدر و مادر، خواهر و برادر و سایر خویشاوندان نسبی و سببی)هستند. در جدول۷ ملاحظه می‌شود پیروی از خانوار به عنوان علت مهاجرت (مهاجرت تبعی)، برای سرپرست‌های خانوار درصد نسبتاً کوچکتری را شامل می‌شود، درحالیکه آن برای افراد غیرسرپرست حدود پنج ششم علل مهاجرت است. البته این درصد برای مردان سرپرست با ۴٪ بسیار پایین‌تر از زنان سرپرست خانوار (با ۲۵٪) است. در مقابل، علل مربوط به اشتغال (جستجوی کار، جستجوی کار بهتر و انتقال شغلی) بعنوان انگیزه مهاجرت، درصد بیشتری برای سرپرست‌های خانوار به دست می‌آید. بطوریکهنیمی از مهاجران سرپرست خانوار به خاطر جستجوی کار و یک سوم نیز به خاطر جستجوی کار بهتر و انتقال شغلی زادگاه خود را به مقصد استان تهران ترک نموده‌اند.

مبدأ و مقصد روستایی-شهری و مهاجرت تبعی از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران

مهاجرت تبعی می‌تواند تحت تأثیر روستا و شهر بودن مبدأ و مقصد مهاجران قرار گیرد. نتایج جدول۷ نشان می‌دهد مهاجران با مبدأ و مقصد روستایی نسبت به شهری، در جریان مهاجرت بیشتر از خانوار خودشان تبعیت کرده‌اند. می‌توان گفت فرهنگ‌های روستایی نسبت به شهری سازگاری بیشتری با مهاجرت‌های تبعی دارند. شهر و روستا بودن مبدأ و مقصد مهاجران بر سایر علل مهاجرت نیز تأثیرگذار است. بطوریکه در سایر علت‌های مهاجرت، درصدهای بدست آمده برای مهاجران با مبدأ و مقصد شهری بیشتر از همتاهای روستایی است. بنابراین، مهاجران با خاستگاه و مقصد روستایی و شهری اهمیت متفاوتی را به علل اقتصادی و اجتماعی مهاجرت قائل هستند.

نکته قابل توجه دیگر در زمینه مهاجرت تبعی، درصد پایین آن در میان مهاجران وارد شده به شهرستان تهران نسبت به وارد شدگان سایر شهرستان‌های استان تهران است. شهرستان تهران به دلیل دربر گرفتن پایتخت، جاذبه و موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی بیشتری را نسبت به سایر شهرستان‌های استان تهران برای مهاجران دارد. بر همین اساس است ملاحظه می‌گردد در سایر علت‌های مهاجرت (که منشأ کاری، تحصیلی و نظامی دارند)، درصدهای بدست آمده برای مهاجران شهرستان تهران بیشتر از سایر شهرستان‌های استان تهران است.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول۷. توزیع نسبی مهاجران برحسب علت مهاجرت به‌تفکیک برخی از ویژگی‌های جمعیتی- ۱۳۸۵

شرح		کل (نفر)	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل و پایان تحصیل	انجام و پایان خدمت وظیفه	پیروی از خانوار	سایر
کل نمونه		۲۴۷۰۰	۱۸/۰	۹/۲	۳/۲	۱/۹	۱/۷	۶۰/۶	۵/۴
وضع سرپرستی خانوار	سرپرست	۶۷۴۴	۴۴/۹	۲۵/۵	۱۰/۵	۱/۴	۰/۷	۵/۳	۱۱/۷
	غیرسرپرست	۱۶۷۳۸	۴/۳	۲/۰	۰/۴	۱/۹	۱/۹	۸۶/۲	۳/۲
جنس	مرد	۱۳۱۱۰	۳۲/۱	۱۵/۸	۵/۶	۱/۹	۳/۲	۳۵/۵	۶/۰
	زن	۱۱۵۹۰	۲/۳	۱/۶	۰/۴	۲/۱	۰/۰	۸۸/۹	۴/۷
مبدأ	شهر	۱۶۲۰۰	۱۷/۳	۹/۴	۳/۶	۲/۸	۲/۴	۵۹/۱	۵/۴
	روستا	۸۵۰۰	۱۹/۶	۸/۶	۲/۵	۰/۳	۰/۳	۶۳/۴	۵/۳
مقصد	شهر	۲۱۳۵۰	۱۸/۲	۹/۲	۳/۵	۲/۰	۱/۸	۵۹/۵	۵/۷
	روستا	۳۳۵۰	۱۷/۵	۸/۳	۰/۹	۱/۵	۱/۱	۶۷/۵	۳/۱
شهرستان مقصد	تهران	۹۱۳۰	۱۸/۷	۹/۷	۶/۵	۳/۴	۳/۸	۵۳/۷	۴/۳
	غیرتهران	۱۵۵۷۰	۱۷/۷	۸/۸	۱/۳	۱/۱	۰/۴	۶۴/۶	۶/۰

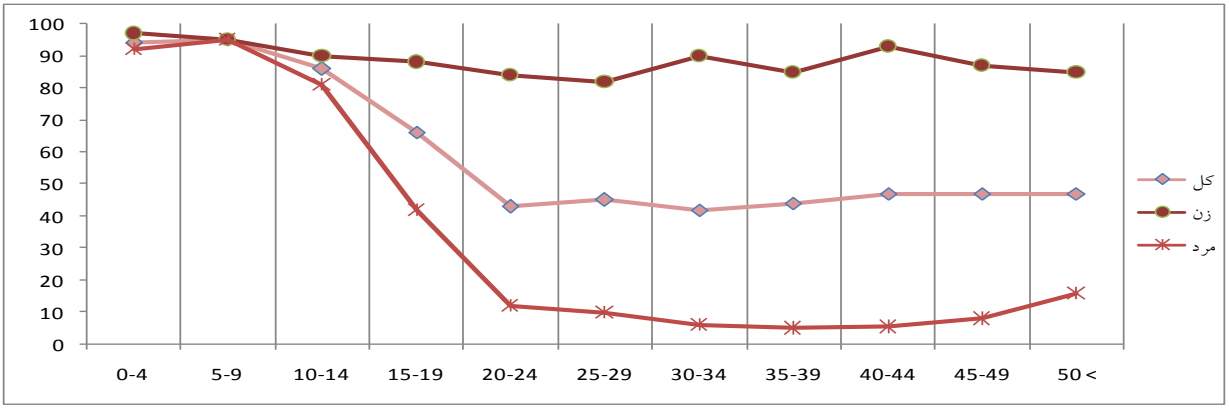
منبع: پردازش براساس داده‌های ۲۰ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

سن، جنس و مهاجرت تبعی از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران

با تصمیم به مهاجرت سرپرست خانوارها، این همسر، فرزندان و سایر خویشاوندان وابسته به آنها هستند که مجبور می‌شوند در این جابجایی مکانی و جغرافیایی از آنها تبعیت کنند. باتوجه به نسبت وابستگی به خانواده بیشتر زنان نسبت به مردان و همچنین کودکان و نوجوانان نسبت به جوانان و بزرگ‌سالان، ملاحظه می‌شود حدود۹۰٪ از زنان درمقابل ۳۵٪ مردان و نیز ۸۵٪ زیر بیست ساله‌ها در مقابل ۴۵٪ بالای ۲۰ ساله‌ها (نمودار۱) به خاطر پیروی از خانوار دست به مهاجرت زده‌اند. این تفاوت عمده بین مرد و زن از سن ۱۵ سالگی به بعد شروع می‌شود. در نمودار۱ با برآورد سن مهاجران در زمان مهاجرت، ملاحظه می‌شود که از سن ۲۰ سالگی به بعد درصد مشاهده شده برای پیروی از خانوار به عنوان علت مهاجرت برای مردان به رقم ناچیز زیر ۹٪ می‌رسد، درحالیکه آن برای زنان بالای ۸۶٪ به دست می‌آید. پس، ملاحظه می‌شود در این جابجایی جمعیتی از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران، این زنان و کودکان خانوارها هستند که در جایگاه مهاجر منفعل قرار گرفته و در تبعیت از همسر، پدر و سرپرست خانوار مشمول این جابجایی جمعیتی می‌شوند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

نمودار۱. توزیع نسبی مهاجرت تبعی برحسب گروه‌های‌سنی و به‌تفکیک جنس مهاجران-۱۳۸۵



منبع: ترسیم براساس داده‌های ۲۰ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

تبیین کننده‌های مهاجرت‌های تبعی غیرسرپرست‌های خانوار از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران

با استفاده از رگرسیون لوجستیک دو وجهی سعی بر آن است تا تأثیر مجموع متغیرهای مستقل بر مهاجرت تبعی غیرسرپرست‌های خانوار مورد بررسی قرار گیرد. در این تکنیک بر اساس متغیرهای مستقل مورد استفاده می‌توان احتمال هر یک از سطوح متغیر وابسته دو وجهی را محاسبه نمود. متغیرهای پیش‌بینی کننده مورد استفاده در رگرسیون لوجستیک عبارتند از: جنس (مرد/ زن)، سن در زمان مهاجرت (زیر۱۵ سال/ ۱۵-۳۰ سال/ ۳۱-۴۵ سال/ بالای ۴۵ سال)، سطح تحصیلات (بی‌سواد/ ابتدایی/ راهنمایی و متوسطه/ دانشگاهی)، محل اقامت قبل از مهاجرت (شهر/ روستا)، شهرستان مبدأ (سراب/ میانه/ هشترود/ سایر شهرستان‌های استان آذربایجان‌شرقی)، سطح توسعه یافتگی شهرستان مبدأ[۱] (برخوردار/ نیمه برخوردار/ محروم)، شهرستان مقصد (تهران/ شهریار/ اسلام‌شهر/ رباط‌کریم/ سایر شهرستان‌های استان تهران)، سطح توسعه یافتگی شهرستان مقصد[۲] (برخوردار/ نیمه برخوردار/ محروم). متغیر نوع مهاجرت هم بعنوان متغیر وابسته (پیش‌بینی شونده) به شکل تبعی (پیروی از خانوار) =۱/ کاری (جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی) =۰ برایغیرسرپرست‌های خانوار وارد مدل شده است. رگرسیون لوجستیک به روشهای مختلفی صورت می‌گیرد که در این تحقیق جهت برآورد مهاجرت تبعی از روش پیش‌رو مشروط[۳] استفاده شده است. در این روش که نوعی روش گام به گام است، قوی‌ترین متغیرها یک به یک وارد مدل شده و این کار تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که سطح معنی‌داری به ۵٪ برسد. در این روش، متغیرهای مستقل که با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری در سطح ۵٪ ندارند از مدل خارج می‌شوند. برای برازش مدل‌ها از آماره‌های کای اسکوئر و نسبت درست نمایی[۴] استفاده می‌شود.

هر یک از انواع مهاجرت ویژگی‌ها و تعیین کننده‌هایی دارند که شناسایی آن می‌تواند در تحلیل بهتر جریان‌های مهاجرت کمک نماید. در تحلیل جریان‌های مهاجرت تبعی از استان آذربایجان شرقی به استان تهران توجه به دو عامل ویژگی‌های فردی مهاجر و ویژگی‌های ساختاری مبدأ و مقصد مهم است. مدل‌های رگرسیونی نشان می‌دهد اهمیت ویژگی‌های فردی (متغیرهای جمعیت‌شناختی) مهاجران به مراتب بیشتر از متغیرهای سطح شهرستان است. نتایج جدول۸ نشان می‌دهد ۲۶٪ از ۳۶٪ تغییرات

[۱]. استنباط از منابع: قنبری هفت‌چشمه و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۴؛ زیادی و همکاران، ۱۳۸۹
[۲]. استنباط از منبع: محمودی، ۱۳۸۸

[3]. Forward Conditional
[4].likelihood ratio (-2 log likelihood)

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

مهاجرت‌های تبعی به خاطر ویژگی‌های سطح فردی مهاجران است. در این مدل‌ها سن افراد در زمان مهاجرت مهمترین تبیین - کننده است. مهاجرت تبعی در بین زیر ۱۵ ساله‌ها و بالای ۳۰ ساله‌ها مشاهده شده و مهاجران جوان (۳۰-۱۵ ساله) نسبت به مهاجران کم سن و سال (زیر۱۵ ساله) و میان سال و سالخورده (بالای ۳۰ سال) احتمال خیلی کمتری دارد به خاطر تبعیت از خانوار دست به مهاجرت زده باشند. البته با وارد کردن جنس مهاجران به معادله و کنترل تأثیر جنس، این نتیجه حاصل می‌شود که در طبقه‌های سنی مورد نظر، مهاجران متعلق به طبقات سنی بالای ۱۵ سال احتمال مهاجرت‌شان به خاطر پیروی از خانوار به مراتب خیلی پایین‌تر از مهاجران زیر ۱۵ سال است. این امر در مدل‌های بعدی و با وارد شدن متغیرهای دیگر به مدل رگرسیون حفظ شده است.

از لحاظ اهمیت تأثیرگذاری متغیرها، بعد از سن مهاجران جنس آنها تعیین کننده است. متغیر جنس ۱۲٪ از تغییرات نوع مهاجرت را تبیین می‌کند، بطوریکه احتمال مهاجرت زنان غیرسرپرست خانوار به خاطر پیروی از خانوار هفت برابر بیشتر از همتاهای مرد است. این امر تأثیرپذیری بیشتر زنان نسبت به مردان از مهاجرت‌های تبعی را به خوبی نشان می‌دهد.

علاوه‌بر دو متغیر جمعیتی ذکر شده، سه متغیر ساختاری شهرستان مقصد، سطح توسعه یافتگی مبدأ و شهرستان مبدأ نیز به ترتیب وارد مدل رگرسیون شده‌اند. البته تأثیرگذاری شهرستان مبدأ بیشتر از دو متغیر دیگر است. در بین شهرستان‌های مبدأ، این شهرستان میانه است که اثرگذاری معنی‌داری را نسبت به سایر شهرستان‌های استان آذربایجان‌شرقی دارد. بطوریکه احتمال مهاجرت از شهرستان میانه به‌خاطر پیروی از خانوار دوونیم برابر بیشتر از مهاجران سایر شهرستان‌هاست.

در زمینه بسترسازی شهرستان مقصد برای مهاجرت‌های تبعی نیز می‌توان الگوهایی را مشخص نمود. مهاجران تبعی که از استان آذربایجان‌شرقی وارد استان تهران شده‌اند، بیشتر دو شهرستان رباط‌کریم و شهریار را بعنوان مقصد مهاجرتی انتخاب کرده-اند. نسبت بخت‌های[1] مدل پنجم نشان می‌دهد احتمال مهاجرت به خاطر پیروی ازخانوار از آذربایجان‌شرقی به شهرستان رباط-کریم ۳/۲ برابر و به شهریار ۱/۶ برابر بیشتر از سایر شهرستان‌های استان تهران است.

سطح توسعه یافتگی مبدأ با قدرت تبیین ۱٪ از متغیرهای تأثیرگذار در مهاجرت‌های تبعی است. نتایج مدل چهارم نشان می-دهد مهاجرت تبعی از مناطق محروم استان آذربایجان‌شرقی ۲/۲ برابر بیشتر از سایر مناطق استان است، درحالیکه در مدل پنجم (با وارد شدن متغیر شهرستان مبدأ) این اثرگذاری سطح توسعه یافتگی مبدأ نتیجه متفاوتی می‌دهد. بطوریکه مهاجرت تبعی از مناطق نیمه برخوردار نزدیک ۴۰٪ کمتر از مناطق برخوردار بدست می‌آید. با توجه به دسته‌بندی شهرستان‌های سراب و هشترود در طبقه محروم و میانه در طبقه نیمه برخوردار، نتایج مدل چهارم و پنجم نشان می‌دهد در مهاجرت تبعی از استان آذربایجان‌شرقی، مهاجران شهرستان میانه متمایزتر از مهاجران سایر شهرستان‌های استان بوده و احتمال مهاجرت تبعی به استان تهران از شهرستان میانه در رابطه با سایر مناطق استان آذربایجان‌شرقی بیشتر است.

[1]. Odds Ratio (Exp(B))

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

جدول۸. پیش‌بینی کننده‌های احتمال مهاجرت تبعی از آذربایجان‌شرقی به استان تهران – ۱۳۸۵

متغیرها	مقوله‌ها	نسبت بخت‌ها(Exp(B))				
		مدل۱	مدل۲	مدل۳	مدل۴	مدل۵
مقدار ثابت		۴۳/۲**	۲۴/۷**	۲۰/۳**	۱۳/۷**	۱۲/۴**
سن در زمان مهاجرت	۱۵> (مرجع)					
	۳۰- ۱۵	۰/۱۵**	۰/۰۷**	۰/۰۸**	۰/۰۹**	۰/۰۸**
	۴۵- ۳۱	۱/۲	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۰/۴۵**	۰/۴۱**
	۴۵ <	۰/۷	۰/۲۷**	۰/۳۱**	۰/۳۴**	۰/۳۳**
جنس	مرد (مرجع)					
	زن		۷/۱**	۷/۱**	۷/۰**	۷/۴**
شهرستان مقصد	سایر شهرستان‌ها (مرجع)					
	تهران			۰/۸۱*	۱/۰	۱/۲
	شهریار			۱/۵**	۱/۷**	۱/۶**
	اسلام‌شهر			۰/۶۸*	۰/۶۷*	۰/۹۸
	رباط‌کریم			۲/۳**	۲/۴**	۳/۲**
سطح توسعه یافتگی مبدأ	برخوردار (مرجع)					
	نیمه برخوردار				۰/۹۷	۰/۶۳**
	محروم				۲/۲**	۰/۹۸
شهرستان مبدأ	سایر شهرستان‌ها (مرجع)					
	سراب					۱/۰
	میانه					۲/۵**
	هشترود					۱/۱
Chi-square		۶۶۹**	۱۴۱۵**	۱۵۵۵**	۱۶۴۷**	۱۸۹۸**
-2 log likelihood		۶۶۴۳	۵۸۹۷	۵۷۵۸	۵۶۶۶	۵۴۱۴
Nagelkerke R Square		۰/۱۴	۰/۲۶	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۶
Percentage Correct		۹۲/۵	۹۲/۵	۹۲/۵	۹۲/۲	۹۲/۳

**. معنی‌داری در سطح P<۰/۰۰۱ *. معنی‌داری در سطح ۰/۰۵>P>۰/۰۱

منبع: داده‌های ۲۰ ٪ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

نتیجه‌گیری

در جابجایی جمعیت و تعیین کننده‌های تعداد خالص مهاجرت بین استانی، سطح توسعه یافتگی استان‌ها از جمله عوامل مورد توجه است. همواره جابجایی جمعیت از مناطق (استان‌های) محروم به برخوردار و نیمه برخوردار است. عامل توسعه یافتگی بر عوامل فاصله‌های جغرافیایی و فرهنگی غلبه داشته و در اکثر جابجایی‌های جمعیت بین استانی ایران (قرخلو و حبیبی ۱۳۸۵؛ جمعه‌پور ۱۳۸۶؛ قاسمی اردهایی ۱۳۸۷؛ مشفق ۱۳۸۹) می‌توان رگه‌هایی از تأثیرگذاری سطح توسعه یافتگی بر جابجایی جمعیت استان‌ها در سطح وسیع را ملاحظه نمود. مهاجرت‌های صورت گرفته از (به) استان‌های آذربایجان‌شرقی و تهران نیز از این قاعده

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

کلی مستثنی نیست. تقلیل سطح تحلیل به شهرستان‌های دو استان نشان می‌دهد اکثر شهرستان‌های آذربایجان‌شرقی مهاجرفرست بوده و به غیر از شهرستان تهران، بقیه شهرستان‌های استان تهران مهاجرپذیر هستند. مهاجران از شهرستان‌های سراب، میانه و هشترود بیشتر به شهرستان‌های خارج از استان آذربایجان‌شرقی مهاجرت کرده‌اند که در این بین شهرستان‌های استان تهران با محوریت شهرستان‌های رباط‌کریم، شهریار و اسلام‌شهر نسبت به حجم جمعیت‌شان جایگاه مهمی را در جذب آنان دارند.

مهاجرت‌های تبعی مکمل مهاجرت‌های کاری صورت گرفته از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران است که نزدیک دو سوم جریان‌های مهاجرتی را شامل می‌شود. در زمینه احتمال مهاجرت تبعی غیرسرپرست‌های خانوار از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران، شهرستان میانه مهمترین شهرستان مهاجرفرست و شهرستان‌های رباط‌کریم و شهریار مهمترین شهرستان مهاجرپذیر هستند. «تعداد مهاجران تبعی معمولاً بیش از مهاجران اصلی است و مسائل و مشکلات نیز بیشتر از آنان نشأت گرفته و بر آنان تحمیل می‌شود» (زنجانی ۱۳۸۰: ۵). درست برعکس مهاجرت‌های کاری، حدود ۵٪ سرپرست‌های خانوار مهاجرت‌های تبعی دارند و بالای ۸۵٪ غیرسرپرست‌های خانوار به دلیل تبعیت از سرپرست خانوار اقدام به جابجایی محل سکونت خویش کرده‌اند. با توجه به ماهیت مهاجرت تبعی، درصد قابل توجهی از زنان (حدود ۹۰٪) و کودکان و نوجوانان (بالای ۸۵٪) درگیر این نوع جریان مهاجرتی از استان آذربایجان‌شرقی به استان تهران هستند. این دو نوع متغیر مهم جمعیتی (جنس و سن) روی هم سه چهارم از مقدار ضریب تعیین مهاجرت‌های تبعی را شامل می‌شود. این نشان می‌دهد سن و جنس مهاجران علاوه‌بر نقش داشتن در جهت دادن اکثر جریان‌های مهاجرتی و به‌ویژه جریان‌های مهاجرتی در ایران (راغفر و قاسمی‌اردهایی ۱۳۸۸)، در مهاجرت‌های تبعی نیز مهمترین تبیین کننده هستند.

تا پیش از انتشار مقاله پلاچک و هارواث[1] (۱۹۷۷)، اکثر صاحب نظران حوزه مهاجرت، مهاجرت را نوعی تصمیم به سرمایه‌گذاری فردی لحاظ می‌کردند که به غیر از سرپرست خانوار، دیگر اعضای خانواده به صراحت لحاظ نمی‌شدند. درحالی‌که ملاحظه می‌گردد اعضای دیگر خانواده نیز آشکارا در جریان‌های مهاجرت مؤثرند.باتوجه به اینکه مهاجرت تبعی بیشتر به صورت خانواری صورت می‌گیرد، هزینه‌های مالی و عاطفی ناشی از این جابه‌جایی مکانی به کمترین سطح می‌رسد. ولی باید توجه داشت چون استقلال مهاجر در تصمیم‌گیری این نوع مهاجرت در کمترین سطح است، می‌تواند نارضایتی‌های اقامتی، احساس بی‌هویتی و احساس غربت در محل زندگی جدید را در پی داشته باشد که بیشتر دامنگیر زنان و کودکان و نوجوانان می‌شود.

[1]. Polachek and Horvath

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

منابع

بهشتی‌گرمی، محمدباقر (۱۳۶۳) **بررسی مهاجرت در استان آذربایجان‌شرقی**، تبریز: سازمان برنامه و بودجه آذربایجان‌شرقی.

جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۶) «بررسی بین سطح توسعه‌یافتگی روستاهای استان تهران و مهاجرت به شهر تهران»، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۰، شماره۳، صص ۲۷-۵۵.

راغفر، حسین و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۸۸) «علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیّتی-اقتصادی مهاجران بین‌شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهربه‌روستا و روستابه‌شهرایران طیّ دهه‌ی۸۵- ۱۳۷۵»،**نامهانجمن‌جمعیّت‌شناسی‌ایران**، شماره۸،صص ۳۹-۶۱.

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) **مهاجرت**، تهران: سمت.

زیادی، کرامت‌اله، نوید سعیدی‌رضوانی و لیلا بقال‌صالح‌پور (۱۳۸۹) «سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان-شرقی به روش HDI»، **مجله فراسوی مدیریت**، سال سوم، شماره۱۲، صص۷۵-۹۵.

قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۸۷) **جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به‌تفکیک استان**، پژوهشکده‌ی آمار: مرکز آمار ایران.

قرخلو، مهدی و کیومرث حبیبی (۱۳۸۵) «تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک-های برنامه‌ریزی»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره۸۱، صص۵۹-۸۳.

قنبری هفت‌چشمه، ابوالفضل و کریم حسین‌زاده دلیر (۱۳۸۴) «تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان‌شرقی (۱۳۷۵)»، **مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، شماره‌ی ۵، صص ۱-۲۲.

محمودی، محمدجواد (۱۳۸۸) «محاسبه شاخص توسعه انسانی کشور، استان تهران و شهرستان‌های آن»، **فصلنامه جمعیت**، شماره ۶۷ و ۶۸، صص۸۱- ۱۱۸.

مرکز آمار ایران،نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵.

ـــــــــــــ نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵.

ـــــــــــــ نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

ـــــــــــــ داده‌های خام ۲۰ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۹۰) **اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷**، تهران: خانه کتاب.

مشفق، محمود (۱۳۸۹) **مهاجرت‌های داخلی در ایران: بررسی سطوح و روندهای مهاجرت‌های داخلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن در دوره ۱۳۸۵- ۱۳۵۵**، رساله دکتری جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.

موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۷.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]

Koppel, B. (1976) “Toward Sociogenic Migration Theory.” *International Migration Review*, 10(2): 233-248.

Park, R. (1928) “Human Migration and the Marginal Man.” *TheAmerican Journal of Sociology*, 33(6): 881-893.

Polachek S.W., and F.W. Horvath (1977). “A Life Cycle Approach to Migration: Analysis of the Perspicacious Peregrinator”, *Research in Labor Economics*, 1, pp. 103-149.

Rowland, D. (2003) *Demographic Methods and Concepts*, Oxford University Press.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-21]